



اساس سوسیالیسم انسان است،
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

ضمیمه
۳

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۱۳ ژوئن ۲۰۰۷ - ۲۳ خرداد ۱۳۸۶

متن سخنرانیهای افتتاحیه کنفرانس اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری



جایگاه، موقعیت و وظایف ویژه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

علی جوادی

تیترا این بخش از صحبت من "جایگاه، موقعیت و وظایف ویژه حزب اتحاد کمونیسم کارگری" است. من سعی میکنم که صحبتهای کوتاهی را به صورت مقدماتی مطرح کنم. اما قبل از اینکه به خود مبحث بپردازم دوست داشتم که احساس خودم را مطرح کنم.

صفحه ۲



پیروزی ممکن است!

آذر ماجدی

از این فرصت استفاده میکنم و تشکیل حزب اتحاد کمونیسم کارگری را به همه تبریک میگویم. علی جوادی گفت که یک احساس دوگانه دارد. من اینطور نیستم. من دو سه هفته پیش این احساس را داشتم. اما الان یک احساس هیجان و شادی دارم برای کار و حرکت به جلو. روشن است که ترک یک موجودی که همیشه برایت عزیز بوده کار سختی است و حزب کمونیست کارگری برای همه ما موجود بسیار عزیزی بوده است، از زمان تشکیل اش و در تمام افت و خیزهایش.

صفحه ۵



بسوی ایجاد حزبی مدرن و مارکسیستی حزب انقلاب کارگری

سیاوش دانشور

رفقا من میخواهم صحبت من را با این نکته شروع کنم که ما روز بیست و یکم مه با امضای ده نفر از اعضای کمیته مرکزی و مشاورین کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، حزبی را اعلام کردیم که تا همین حالا سرو صدای زیادی بپا کرده است. اتفاق مهمی بود چون در حزب سیاسی مهمی در اپوزسیون ایران این مسئله رخ میداد و آدمهایی که این کار را کردند به هر حال آدمهای ناشناخته ای نبودند.

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



جایگاه، موقعیت و وظایف ویژه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

علی جوادی

سخنرانی در کنفرانس اول حزب در گوتنبرگ

تیترا این بخش از صحبت من "جایگاه، موقعیت و وظایف ویژه حزب اتحاد کمونیسم کارگری" است. من سعی میکنم که صحبت‌های کوتاهی را به صورت مقدماتی مطرح کنم. اما قبل از اینکه به خود مبحث بپردازم دوست داشتم که احساس خودم را مطرح کنم.

احساس دوگانه ای است. احساس دوگانه ای است پس از صحبت‌های منصور حکمت که پخش شد. در این سخنرانی منصور حکمت در عین حال که به موقعیت و جایگاه کمونیسم کارگری در جامعه اشاره میکند در عین حال به یک تلاش هرکولی اشاره میکند. به این اشاره میکند که چگونه کمونیسم و کارگر این شانس را دارند که آینده را به گونه دیگری رقم بزنند تا اینکه آینده تکرار گذشته نباشد و احزاب سنتی تا کنونی مقدرات جامعه را در دست و کنترل خود نداشته باشند. اما ما الان داریم حزب جدیدی را ایجاد میکنیم جدا از حزب کمونیست کارگری و این احساس دوگانه ای به شخص میدهد. اما میخواهیم همان آن آینده و افق را مجددا در مقابل حزب خودمان قرار دهیم. ما میخواهیم امکان پیروزی را برای کمونیسم کارگری و کارگر باز نگهداریم. و متحقیقش کنیم. ما میخواهیم کاری کنیم، اجازه ندهیم که گرایش‌های دیگر غیر کمونیستی کارگری که در خط مشی حزب کمونیست کارگری تأثیر گذار بوده اند، سایه تیره روی این آینده و افق بیندازند. بهر حال احساس دوگانه ای است. هم شیرین است هم ناراحت کنند و تلخ. اما به هر حال کاری که شروع کرده ایم یک تلاش عظیم را می طلبد.

ما اکنون در آستانه دوره جدیدی

از فعالیت قرار گرفته ایم. دوره جدیدی از فعالیت را میخواهیم آغاز کنیم که انرژی و کار زیادی می طلبد. ما دوره جدیدی از فعالیت کمونیستی خودمان را داریم آغاز میکنیم و به همین اعتبار کار در این دوره باید گسستی از نوع فعالیتی باشد که در گذشته دنبال کرده ایم و با انتقاد به آن به این موقعیت فعلی رسیدیم.

ما باید به سؤالات معینی جواب دهیم. از ما بپرسند که فرق شما با حزبی که در آن بودید، در رهبری اش بودید، چیست؟ این سؤال مهمی است. در پاسخ باید گفت که ما آن رگه و خطی در جنبش کمونیسم کارگری هستیم که پرچم کمونیستی منصور حکمت را در دست گرفته ایم. ما گرایشی نیستیم که خواهان "عبور از منصور حکمت" است. ما آن رگه نیستیم. برعکس، ما آن خطی در کمونیسم کارگری هستیم که فکر میکنیم کمونیسم کارگری و کارگر در این شرایط متحول سیاسی فقط میتواند با پرچم کمونیستی منصور حکمت به پیروزی برسد. و از این بحث اصولی شروع میکنیم که کمونیسم در هر دوره ای با پرچم سیاسی معینی نمایندگی میشود. و امروز در شرایطی که جنبش کمونیسم کارگری دچار پراکندگی و تفرقه سازمانی سازمانی است و ترکیب سازمانی این جنبش تغییر کرده است، این جنبش با پرچمی میتواند در این شرایط به پیروزی برسد که پرچم کمونیستی منصور حکمت باشد. و بنظرم این یک شرط مهم و شانس پیروزی کمونیسم کارگری است. نتیجتاً ما آن رگه ای در جنبش کمونیسم کارگری هستیم که این پرچم را در دست داریم و میخواهیم بر ضعفها و کاستی های جنبش کمونیسم کارگری در این شرایط و مجهز کردن این جنبش به ملزومات پیروزی غلبه کنیم. خطی مشی سیاسی که ما دنبال میکنیم بر مبنای توصیه های منصور حکمت در پلنوم ۱۴، در آخرین پلنومی که منصور حکمت در آن حضور

داشت، استوار است. و میخواهیم کاری کنیم که این دریچه را برای کمونیسم روشن تر کنیم.

مباحث اصلی که ما در این دوره مطرح کردیم، مباحثی که همه شما در آن شریک بودید، مباحثی بودند که تحت عنوان "حزب سازمانده - رهبر"، حزب سیاسی مارکسیستی مطرح شدند. مباحثی بودند که به نقد گرایش چپ رادیکال موجود در حزب کمونیست کارگری پرداخت. به ضعفها و کاستی های این حزب در سازماندهی و رهبری اعتراضات موجود در جامعه پرداخت. ما آن گرایشی نبودیم که به وضعیت موجود در درون حزب کمونیست کارگری تمکین کند و یا بخواهد مل بدهد به وضعیت موجود و خیال کند که با "تشکیلات داری" و صرف "تشکیلات داری" میشود کمونیسم را در این شرایط متحول و پیچیده به پیروزی رساند. ما توانستیم توجه جدی ای را در جنبش کمونیسم کارگری به این مباحث جلب کنیم. این مسائل در این دوره جدید فعالیت ما مهر خودش را بر تلاشهای ما زده است. ما آن جریانی هستیم که میخواهیم از ابتدا همان حزب مطلوب خود را با تمام مشخصات مورد نظرش شکل دهیم. ما میخواهیم حزبی بسازیم که هم مبلغ است، هم مروج است و هم سازمانده است. هم از ابتدا همه چیز هست. هم میخواهد تبلیغ وسیع کند، هم میخواهد سازمان دهد، هم مدعی رهبری است. ما میخواهیم از ابتدا حزبی داشته باشیم که دارای تمامی این مختصات باشد. حزبی که در تحولات موجود در جامعه فقط یک ماشین افشاگری نیست بلکه تغییر میدهد. نیرو جابجا میکند. و به قول منصور حکمت فلسفه وجودیش ایجاد تغییرات مهم در زندگی انسانهای بسیار برای مدت طولانی است.

ما در حزب کمونیست کارگری یک ماشین عظیم تبلیغاتی و افشاگری داشتیم. (حال از نقد به محتوای تبلیغات این ماشین میگذرم) اما با یک ماشین هر چقدر عظیم تبلیغاتی نمیتوان به جنگ قدرت سیاسی حاکم رفت. نمیتوان خانه خامنه ای را تصرف کرد. نمیتوانید دستگاه رادیو و تلویزیون را تصرف کنید. نمیتوانید به پادگانهای جمهوری اسلامی یورش ببرید. نمیتوان قیام سازماندهی کرد. نمیتوانید با یک ماشین تبلیغاتی تعرض این چینی را سازمان دهید. نمیتوانید تنها با "صدا و سیما" به جنگ قدرت سیاسی حاکم بروید. نمیتوانید با این دستگاه تبلیغاتی بر رژیم اسلامی و قدرت طبقاتی حاکم غلبه کنید یا بر نیروهای رقیب اپوزیسیون غلبه کنید. و سازمان طبقاتی جامعه و نظام سیاسی را دگرگون کنید. رهبری حزب کمونیست کارگری متأسفانه نه ملزومات تصرف قدرت سیاسی را فهمید و نه به آن پرداخت. این رهبری هرگز نفهمید که برای پیروزی کمونیسم به چه ملزوماتی در جامعه نیاز است. این رهبری هرگز مساله تبدیل شدن به حزب رهبران، به حزب سازماندهندگان کمونیست و غیره را درک نکرد. و این مساله تصادفی نیست. این گرایش چپ رادیکال است که تمام ملزومات پیروزی کمونیسم را تمام و کمال نمیشناسد. بر این تصورند که اگر تحولات جامعه گسترش پیدا کند نیروهای رهبری کننده این اعتراضات خود بخودی در این حزب قرار خواهند گرفت. این نگرش جبر گرایانه ای در تحولات است. گویا این سرنوشت محتوم تحولات است که رهبران در درون صفوف حزب کمونیست کارگری جمع شوند. در این نگرش جبر گرایانه از قرار پیروزی کمونیسم محتوم است و فقط کافی است که ما حضور داشته باشیم. همین و بس! و حضور ما تعیین کننده و سرنوشت ساز است. خط مشی حاکم بر رهبری

جایگاه، موقعیت و وظایف ویژه حزب ...

حزب کمونیست کارگری یک نوع جبر گرایبی را چه در متد و چه در سیاست دنبال میکند.

اگر ما بمتابیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری شانسی در جنبش کمونیسم کارگری داشته باشیم این است که به مسائلی بپردازیم که تا بحال در درون جنبش کمونیسم کارگری به آنها پرداخته نشده است، پاسخ معضلاتی را بدهیم که راه پیشروی کل جنبش ما را هموار کند. ما در صورتی شانس داریم که حلقه اصلی پیشروی کمونیسم کارگری را پیدا کنیم و در دست بگیریم.

ما داریم حزب اتحاد کمونیسم کارگری را بوجود می آوریم. این حزبی است که میخواهد یک رابطه صحیح و منطقی میان مصالح حزب و مصالح جنبش برقرار کند. اگر به جدالها و مصافههایی که در این دوره در حزب کمونیست کارگری صورت گرفت نگاه کنید، می بینید که حزبیت همه چیز شد اما جنبش هیچ چیز. جنبش در نگرش این رهبری عملا ادامه حزب بود. اندام جانبی حزب بود. جنبش اجتماعی کمونیسم کارگری در حقیقت ادامه حزبیت کمونیست کارگری تعریف و قلمداد شد. گویا جنبش طول و عرض بیشتر حزب است. نه اینکه جنبشی وجود دارد که قائم به ذات است. داده شده و همیشگی است و در پروسه تحولات خودش احزاب کمونیستی کارگری را بیرون میدهد و این احزاب سیاسی هستند که در عین حال به ظرف پیش برنده سوخت و ساز بخشهایی از جنبش تبدیل میشوند. در حقیقت رابطه حزب و جنبش در تفکر رهبری حزب کمونیست کارگری وارونه است. در این تفکر حزب همانطور که گفتیم همه چیز است.

و در حقیقت با این نگرش عملا حزب را به نیرویی فاقد توانایی لازم برای در بر گرفتن نیروهای

یک سنوال دیگری که شاید در مقابل ما قرار میگیرد این است که حزب کوچکتری نسبت به سایر احزاب موجود کمونیسم کارگری هستیم و سنوال این است که آیا میتوانیم حزب بزرگتری بشویم. میتوانیم تبدیل به بستر اصلی کمونیسم کارگری شویم؟ و اگر پاسخ به این سنوال منفی نیست، سنوال بعدی این است که چگونه حزب کوچکتر میتواند به حزب بستر اصلی کمونیسم کارگری تبدیل شود و نیروهای اصلی جنبش خودش را در بر بگیرد؟ در پاسخ باید گفت که همیشه احزاب کوچک کوچک نمی مانند و احزاب بزرگ هم الزاما بزرگ نمی مانند. نمونه های تاریخی بسیاری وجود دارد.

خود اتحاد مبارزان کمونیست زمانیکه در بطن تحولات ۵۷ شکل گرفت بسرعت تبدیل به یک جریان مطرح شد و توانست بستر اصلی چپ رادیکال آن زمان را کاملا دگرگون کند. سنن و افکار پوپولیستی آن جنبش را به نقد بکشد و پس از مدتی تبدیل شود به گرایش اصلی چپ رادیکال در درون آن جامعه. همان گرایش کوچک بعدا قادر شد حزب کمونیست ایران را بوجود آورد که چتری را بوجود آورد که هم گرایش مارکسیسم انقلابی و هم گرایش سوسیالیست کارگری را در خودش جا داد و به حزب بستر اصلی چپ در آن زمان تبدیل شد. آن مختصات ویژه که اتحاد مبارزان کمونیست روی آن دست گذاشت و توانست خودش را از یک نیروی بسیار کوچکتر از ما، بسیار شاید کم تجربه تر از ما، ولی نه الزاما کم توانتر، و توانست به بستر اصلی چپ رادیکال تبدیل شود، را باید شناخت. آن ویژگی این است که ما بتوانیم کل گرایشاتی که امروز این جنبش را تحت تأثیر خودش قرار داده است و "چپ" و "راست" این جنبش را شکل داده است، بشناسیم و نقد کنیم. امروز مثلا یک بخش، حزب حکمتیست ها این جنبش را به طرفی میکشند بطوریکه حتی

پروژه بعد از سرنگونی کامل رژیم اسلامی را، زمانیکه خودش پیروز شود، را نمیخواهد به معنای مستقر کردن کل جمهوری سوسیالیستی تعریف کند. و یا در طرف دیگر حزب کمونیست کارگری تصویری غیر واقعی، اغراق آمیز، و ساده انگارانه از موقعیت و چگونگی پیشروی یک حزب کمونیستی کارگری در ذهن دارد، تصویری که فکر میکند پیروزی کمونیسم محتوم است. ما کمونیسم اش رقیق شده است. ما برای اینکه بتوانیم به حزب بستر اصلی کمونیسم کارگری تبدیل شویم باید بتوانیم گرایشات موجود در درون جنبش خودمان را نقد کنیم و آلترناتیو اثباتی خودمان را نه فقط در تئوری بلکه همچنین در پراتیک مشخص کمونیستی مان ارائه دهیم. ما اگر بتوانیم تمایز سیاسی، نقد سیاسی جدی خودمان را به نیروهای موجود کمونیسم کارگری مطرح کنیم و بتوانیم پروژه اجتماعی که این جنبش برای متحقق کردنش تلاش میکند را در پراتیک نشان دهیم، بنظر امید به اینکه بتوانیم به بستر اصلی کمونیسم کارگری تبدیل شویم وجود خواهد داشت.

امروزه یک نیروی کمونیسم کارگری وسیع موجود است که با هیچیک از این دو حزب کار وجود سیاسی مناسب خودشان نمیدانند و انتقادات جدی به این دو حزب دارند. خودشان را با پرچم کمونیستی منصور حکمت بیان میکنند. ما میتوانیم به بستر اعتراض و ظرف کمونیستی این بخش از کمونیستهای کارگری تبدیل شویم. این نیرو وسیع و گسترده است. علاوه بر این نیروی وسیعی به کمونیسم کارگری در حال رو آوری است. ما روزمره با گسترش صفوف جنبش کمونیسم کارگری مواجه هستیم. ما میتوانیم با روی آوری این نیرو به صفوفمان به بستر اصلی کمونیسم کارگری تبدیل شویم. اما برای اینکه بتوانیم موفق شویم باید بتوانیم در گره گاههای اصلی کمونیسم کارگری و جامعه دخالت داشته باشیم و نقش اساسی ایفا کنیم. باید

جایگاه، موقعیت و وظایف ویژه حزب ...

بتوانیم این دعوای اصلی را بشناسیم و برای این مسائل پاسخ داشته باشیم. یک حزب کوچک زمانی میتواند بزرگ شود که در دعوای بزرگ شرکت کند. و خودش را به دعوای کوچک مشغول نکند و به دعوای بزرگ سیاسی جامعه بپردازد.

امروز دعوای بزرگ سیاسی جامعه برای ما روشنند. مساله سرنگونی جمهوری اسلامی، تلاش برای تامین نیروی رهبری کننده این اعتراض آن اصلی ترین حلقه ای است که اگر کمونیسیم کارگری به آن نپردازد و جنبش خودش را در مقام رهبری کننده جنبش سرنگونی قرار ندهد، قادر نخواهد شد تاثیر مثبت و تعیین کننده ای در تحولات آتی جامعه بگذارد. حزب ما بمتابیه حزبی کوچکتری که میخواهد بزرگ شود و به اصطلاح نیروی جدیدی در میان نیروهای کمونیسیم کارگری است و میخواهد به بستر اصلی کمونیسیم کارگری تبدیل شود باید در این دعوای بزرگ بعنوان مدعی، با برنامه و دخالتگر و راهگشا و سازمانده و نقشه مند ظاهر شود.

برای پیشروی این جنبش برنامه و نقشه عمل داشته باشد. اگر نگاهی به جنبش سرنگونی بیندازید شاهد یک نوع "ایستایی" و "سردرگمی" هستید. مردم دارند مبارزه میکنند. کارگر دارد مبارزه میکند. معلم دارد مبارزه میکند. جوانان دارند میجنگند. زنان دارند میجنگند با جمهوری اسلامی و جمهوری اسلامی با اسلحه و دستگاه سرکوب و نقابش در مقابل این جامعه به جنگ پرداخته است. اما مردم هنوز نتوانسته اند نیروی را ببینند یا پیدا کنند یا انتخاب کنند که در سیمایش نیروی رهبری کننده اعتراضات جامعه را مشاهده کنند. مردم مترصد فرصتند. مقاومت میکنند. اما تعرض جدی نمیکند. برای تعرض نیازمند نیروی رهبری کننده و هدایت کننده هستند. ملزومه پیشروی

دهیم. کار ساده ای نیست. ما زیر فشار تبلیغاتی حتی نیروهای خود درون جنبش کمونیسیم کارگری قرار خواهیم گرفت. نمونه هایش را تاکنون دیده ایم. جدل آنلاین نمونه ای از این تبلیغات مسموم است. اما ما همانطور که تاکنون با قدرت از پرداختن به مسائل حاشیه ای اجتناب کردیم و تلاش کرده ایم که تمرکز اصلی خودمان را روی مسائل اصلی و گرهی صرف کنیم، این دوره هم با قطع کردن بند ناف خودمان با گذشته و رو به آینده نگرستن و رفتن به زمین دعوای بزرگ است که میتوانیم برویم جلو.

ببینید حزب کمونیسیم کارگری ظاهرا لازم نمی بیند که با نیروی بورژوازی در اپوزیسیون بجنگد چرا که از قرار پیروزی را محتوم و در دامن خود می داند. در حالیکه هنوز جنگ اصلی خودشان را انجام نداده اند. اما ما باید وارد این زمین دعوا بشویم. سرنوشت تحولات جامعه در این میدان تعیین میشود. و فقط وارد این جدالها شدن و نه مشغول شدن به گذشته خود است که میتواند راه ما به جلو را هموار کند.

ما نمیتوانیم و نباید به گذشته خود مشغول شویم. باید این بند ناف را قطع کرد و به جلو نگاه کرد و حرکت کرد. در این زمین میتوانیم توجه ها را به خودمان جلب کنیم. هر چند که حزب کوچکتری در حال حاضر باشیم در صورت تمرکز قوا، در صورت پاسخگویی به مسائل اساسی جامعه، در صورت ایجاد حزبی که از ابتدا مبلغ و مروج و سازمانده است، به جلو میرویم. من تردیدی ندارم. ما اگر بتوانیم در این زمین با قدرت و تمرکز و درایت عمل کنیم میتوانیم به بستر اصلی کمونیسیم کارگری تبدیل شویم.

رفقا اما ما مدت زمان طولانی ای در اختیار نداریم که خودمان را آماده کنیم. تحولات سیاسی در

جامعه شتاب بالایی به خود گرفته است. باید آماده شد. بسرعت هم باید آماده شد. جامعه منتظر ما نخواهد شد. منتظر نخواهد شد تا ما آمادگی های لازم را ایجاد کنیم. تغییر و تحولات به جلو میروند. نتیجتا تمام این ملزومات را باید با سرعت بسیاری ایجاد کنیم. ما باید کارهای زیادی در فرصت کمی انجام دهیم. باید الگوهای معینی بدست از پیشروی و کار ارائه دهیم. باید کاری کنیم که فعالین جنبش ما بگویند که حق با اینهاست. اینها پاسخ را دارند. اینها راه را میشناسند. باید به اینها پیوست. این راه عملی است. این روشها ممکن است. و باید الگوهای مورد نظر اینها را تبدیل به اقدام بزرگ اجتماعی کرد.

رفقا ما این چشم انداز را در مقابل خودمان داریم. این دید و بصیرت را داریم. این خوش فکری را داریم که کمونیسیم کارگری را به این سو هدایت کنیم. بعد از ضایعه های بزرگی که چه بعد از مرگ منصور حکمت و چه بعد از انشعاب در صفوف حزب کمونیسیم کارگری ایجاد شد، ما میتوانیم یک تغییر و تحول مثبت در جنبش کمونیسیم کارگری باشیم. و صفی را ایجاد کنیم که امید به کمونیسیم کارگری برای پاسخ دادن به آرمان دیرینه جامعه را افزایش دهد و به مردمی که میگویند کمونیسیم کارگری حرف ماست، نیاز ماست، یک راه حل عملی برای به جلو رفتن ارائه کنیم.

ما باید این خط مشی را پراتیک کنیم. این وظیفه پیشروی ماست. روی دوش همه کادرهایی است که در این حزب جمع شده اند و باید جمع شوند.

فراخوان من به جامعه این است که به این حزب بپیوندید. با پرچم کمونیسیتی منصور حکمت میشود راه و ملزومات پیشروی کمونیسیم و کارگر و آزادی را تامین کرد.



پیروزی ممکن است!

آذر ماجدی

سخنرانی افتتاحیه کنفرانس اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری

از این فرصت استفاده میکنم و تشکیل حزب اتحاد کمونیسم کارگری را به همه تبریک میگویم. علی جوادی گفت که یک احساس دوگانه دارد. من اینطور نیستم. من دو سه هفته پیش این احساس را داشتم. اما الان یک احساس هیجان و شادی دارم برای کار و حرکت به جلو. روشن است که ترک یک موجودی که همیشه برایت عزیز بوده کار سختی است و حزب کمونیست کارگری برای همه ما موجود بسیار عزیزی بوده است، از زمان تشکیل اش و در تمام افت و خیزهایش.

برای من کنگره 3 اوج تمام خصلت های برجسته حزب کمونیست کارگری است: انقلابیگری، زنده بودن، دینامیسم، افق روشن داشتن و بالاخره این خصلت که همیشه پای این حزب روی زمین بوده است. در عین بلند پروازی همیشگی، حزب منصور حکمت هیچگاه خیالباف نشد. کنگره 3 برای من اوج این حزب است. و بویژه سخنرانی "اوضاع سیاسی و موقعیت ویژه حزب کمونیست کارگری" که الان دیدیم، چکیده این خصائص است. برای من این سخنرانی بسیار الهام بخش است. بیاد ندارم که چند بار این سخنرانی را شنیده ام، ولی هر بار که به ویدیوی آن نگاه میکنم، برام تازه و الهام بخش است. و این ویژگی منصور حکمت است.

بنظرم بی دلیل نبود که بمن گفت این سخنرانی وصیت اش به حزب است. منصور حکمت دقیقاً میدانست که با این سخنرانی چکار میکند. بنظرم در اینجا داشت یک ارتشی را آماده و بسیج میکرد، یک ارتش آگاه و نه مطیع که کورکورانه دنباله روی میکند. نادر (منصور حکمت) در آنجا داشت یک ارتش آگاه را برای

انجام یک کار بسیار دشوار آماده میکرد، داشت حزب و نه فقط حزب، بلکه جنبش کمونیسم کارگری را برای این کار آماده میکرد. اگر توجه داشته باشید نادر در اینجا فقط با حزب صحبت نمیکند، بارها از جنبش کمونیسم کارگری صحبت میکند. و بنظر من این کلیدی است. دیدن جنبش و نه فقط حزب کلیدی است، برای اینکه ما بیک فرقه بدل نشویم و اجازه ندهیم که این جنگ فرقه ای بیش از این ادامه یابد. این جنگ فرقه ای که بعد از انشعاب سال 2004 میان دو حزب شروع شد و اکنون از جانب هر دو حزب نسبت به ما شکل گرفته است. ما نباید اجازه دهیم که این جنگ فرقه ای بیش از این ادامه یابد.

نادر میگفت این یک جنبش وسیع است و حتی اگر این حزب از بین برود، در ایران آن را خواهند ساخت. و من هنوز به این حرف اعتقاد دارم. فکر میکنم حتی اگر این سه حزب به دلیلی از بین بروند، فرضاً در اروپا یک سونامی بیاید و تمام مرکزیت این سه حزب را از بین ببرد، حزب جدیدی بر مبنای خط منصور حکمت و کمونیسم منصور حکمت در ایران ساخته خواهد شد. برای اینکه جامعه به چپ نیاز دارد، جامعه چپ خود را حفظ میکند. و چپ الان در ایران یعنی کمونیسم کارگری.

ما در این چند ساله اشتباهات زیادی کردیم ولی علیرغم اینها من فکر میکنم که میتوانیم به پیش برویم. یادم است در کنگره 3 بعد از این سخنرانی، یکی از رفقا به نادر گفت، چرا گفتمی که ما خدای لگد کردن دست و پای همدیگریم، چرا گفتمی که ما خدای فرصت از دست دادن ایم، چرا از ضعف های حزب گفتمی، این سخنرانی علنی است. و متأسفانه الان "چرا ضعف هایمان را گفتمی شده خصلت دو حزب موجود." نقد کردن از خود،

بخصوص بطور علنی در این احزاب کفر است، مورد شماتت قرار میگیرد. در حضور مردم باید از خودمان فقط تعریف کنیم، این سیاست حاکم بر این احزاب است. در پلنوم 27 بما گفته شد که نقد مجاز است ولی انکار خیر و شما دارید حزب را منکر میشوید. (بالاخره همیشه میشود عبارات دهان پرکن برای موجه جلوه دادن خود پیدا کرد!)

حزب اتحاد کمونیسم کارگری از این سیاست پیروی نمیکند. ما این جوهر مارکسیسم و حکمتیسم را با قاطعیت دنبال خواهیم کرد. نقد روش ما است. ما دیدیم که چگونه پس از مرگ منصور حکمت دست و پای یکدیگر را لگد کردیم، چگونه اشتباه کردیم و چگونه در این پنج سال در مهمترین دوران حیات کمونیسم کارگری و تاریخ سیاسی جامعه ما فرصت ها را از دست دادیم. و همه ما مقصریم! اما خوشبختانه در همین صفوف عده ای پیدا شدند که متوجه این اشتباهات شدند و گفتند جلوی ضرر را هر جا که بگیرید منفعت است. گفتند که بیا بیاید این اشتباهات را جبران کنیم. بیا بیاید یک دنده عقب بگیریم به کنگره 3 و پلنوم 14 و از آنجا دوباره بسازیم. البته با در نظر گرفتن تمام تحولات و تغییراتی که در این مدت بوقوع پیوسته است. (باید این تاکید را کرد، وگرنه دوباره فریادهای در منصور حکمت منجمد شدید به هوا خواهد رفت.)

بنظر من انتخاب این سخنرانی برای اولین کنفرانس حزب اتحاد کمونیسم کارگری بسیار بجا بود. برای اینکه یکبار دیگر به خودمان یادآوری کنیم که کجا ایستاده ایم و متعلق به چه جنبشی هستیم، به چه رگه و تیره ای تعلق داریم و چه توقعی باید از خود مان داشته باشیم. من آن

احساس دوگانه را در هنگام نوشتن دو بیانیه جدایی و اعلام موجودیت داشتم. زمان نگارش بیانیه جدایی درد عمیقی قلبم را گرفته بود. هیچگاه تصور نمیکردم که یک روز ممکن است حزب کمونیست کارگری را ترک کنم. اما بلافاصله هنگام نگارش بیانیه اعلام موجودیت حزب اتحاد کمونیسم کارگری آن احساس هیجان و دینامیسم در من بیدار شد. بقول منصور حکمت ما بدون مقاومت تسلیم نمیشویم. ما دیدیم که کمونیسم منصور حکمت، سنت های حزبیت حکمتی، آن انسانیت، انصاف و عدالتی که مشخصه کمونیسم منصور حکمت است، دارد از بین میروند و تلاش کردیم تا آن را حفظ کنیم. ایجاد حزب اتحاد کمونیسم کارگری چنین تلاشی است. به این خاطر که جامعه به این حرکت و تلاش نیازمند است، جنبش ما به این تلاش نیاز دارد و ما خود بعنوان کادرهای قدیمی این خط و جنبش به این حرکت نیاز داریم.

برای خود ما، زمانی که اختلافات درون حزب کمونیست کارگری اشکال کنکرت تری بخود گرفت، بلافاصله ضرورت اتحاد صفوف کمونیسم کارگری به این شکل مطرح شد. در گیر و دار یک روندی که روز به روز بی حاصلی اش را به ما نشان میداد، این ضرورت برای ما فرموله شد. در این روند ما یک به یک به راه حل هایی رسیدیم. چه زمانی که طرح آلترناتیو آرایش رهبری را مطرح کردیم و چه زمانی که در مقابل سیاست های نادرست ایستادیم.

ما باید همیشه بخاطر بسپاریم که یکی از خصوصیت های پایه ای کمونیسم کارگری توده ای کردن رادیکالیسم است. هرگاه ما این خصلت را از خاطر ببریم، یک وجه مهم کمونیسم حکمتی را کنار گذاشته ایم. این اصل ما بوده است

پیروزی ممکن است ...

و این یک حقیقت انکار ناپذیر است که با یک ذره اصلاحات و یک وجب پیشرفت جامعه آرام نمیگیرد، باید تمام رادیکالیسم کمونیسم کارگری به میدان بیاید تا سعادت و خوشبختی و رفاه برای مردم تامین شود. اما بنظر من هر دو حزب موجود دارند رادیکالیسم کمونیسم کارگری را رقیق میکنند. نمونه های آن زیاد است. از وقایع آذربایجان بگیری، از جنگ لبنان، فلسطین و جنبش اسلام سیاسی، نهاد اکس مسلم، اینها فقط چند نمونه است. اینها نمیتوانند هم رادیکالیسم خود را حفظ کنند و هم نیرو بگیرند. ما و کل جنبش کمونیسم کارگری باید بر این خصلت همواره تاکید و پافشاری داشته باشیم. هر میزان از رادیکالیسم و اصولگری مان را کنار بگذاریم امکان پیروزی مان را از دست میدهم. ممکن است یک زمانی یک نیرویی هم بیاید و با اسم کمونیسم کارگری قدرت بگیرد (هر چیزی ممکن است) اما این آن کمونیسم کارگری ای که قرار است سعادت، رفاه، خوشبختی، آزادی و برابری برای مردم بیاورد، نیست.

جایگاه حزب ما برای ما اکنون کاملا روشن است. ما از یک نقد معین آغاز کردیم، یک پرچم معین را بلند کردیم، برای احیای سنن و روش های معینی به حرکت آمدیم و در این روند دریافتیم که اتحاد کمونیسم کارگری یک ضرورت مهم این دوره و از ملزومات پیروزی کمونیسم کارگری است. و اکنون هر کس که بیایه ها و مباحث ما را مطالعه کند، به روشنی می بیند که ما یک فرقه نیستیم و قصد براه انداختن و درگیر شدن در جنگ فرقه ای و ایدئولوژیک هم نداریم. ما میخواهیم یک حزب سیاسی بسازیم، یک حزب سیاسی که گرایشات متفاوت کمونیسم کارگری میتوانند در آن فعالیت کنند. یک حزب سیاسی که خود را متعلق به یک جنبش معین تحت نام کمونیسم کارگری میدانند.

بعضی اوقات فکر میکنم یک ناظر این تاریخ بما خواهد گفت آخر مگر شما دیوانه اید؟ بطور مثال خود من الان نزدیک 30 سال است که از یک سازمان به یک حزب دیگر رفته ام. ابتدا اتحاد مبارزان کمونیست، بعد حزب کمونیست ایران (در آن زمان هنوز جنبش چپ به این اندازه پیشروی نکرده بود و عملا زنان را به کنگره موسس راه ندادند و ما در کنار چادر کنگره موسس ماندیم) بعد حزب کمونیست کارگری و حالا هم حزب اتحاد کمونیسم کارگری. آخر چرا؟ چرا زندگیمان را این چنین صرف حزب سازی کرده ایم؟ وقتی کمی تامل میکنیم متوجه میشویم که تمام این تلاش ها به خاطر این است که یک عده انسان معین هستیم که به یک نسل، یک تاریخ و یک جنبش معینی تعلق داریم. بیک معنا سرآغاز این پویش و تلاش به انقلاب 1357 میرسد.

یک انقلاب معینی شکل گرفت، جامعه ای را متحول کرد و یک خط معین کمونیستی، خط مارکسی متولد شد و بیک جنبشی شکل داد که امید و آرزوی ساختن یک دنیای بهتر را به شکلی ملموس و تحقق یافتنی درآورد، دنیایی که در آن دیگر انسان ها مجبور نیستند هر روز از نو نیروی کارشان را بفروشند، مجبور نیستند بروند در میدان ونک و آزادی در انتظار خریدار بنشینند. انسان ها از این اجبار رها شده اند. به همین سادگی و در عین حال پیچیدگی. این خط، این رگه، این جنبش این امکان را بوجود آورد. ما به این نسل و رگه و جنبش تعلق داریم. به این خاطر است که این نسل این چنین سرسخت به تلاش و مبارزه ادامه میدهد. بند ناف نسل ما به سوسیالیسم، آزادی و برابری، گره خورده است. کمونیسم کارگری مارکس - حکمت ایده آرمان خواهی را در ما زنده نگاه داشته است. پیروزی کمونیسم و ساختن یک دنیای آزاد و برابر را برای ما دست یافتنی کرده است.

اگر این جوهر تلاش ماست، آنگاه باید هر گونه فرقه گرایی و جنگ فرقه ای را کنار بگذاریم و تمام نیروی خود را گرد آوریم و بر هدف مان متمرکز شویم. این تنها شرط پیروزی است. این رسالت بر دوش ما است که برویم و ملزومات اتحاد این جنبش را بوجود آوریم. و باید تاکید کنم که منظورم فقط اتحاد احزاب موجود نیست. صفوف جنبش کمونیسم کارگری بسیار از این احزاب فراتر میروند، تمام آن عناصر و محافلی که در جنبش کارگری و در جنبش های اجتماعی دیگر فعالند و یا خود را متعلق به این خط و جنبش میدانند و یا با آن احساس نزدیکی میکنند، همه اینها را باید متحد کرد. دست یافتن به این اتحاد آسان نیست. اما ضروری است.

راه دشوار است اما این حرکت ما در ایران با استقبال روبرو شده است. در همین چند روزی که از انتشار بیانیه اعلام موجودیت ما میگذرد، حزب ما با استقبال روبرو شده است. این امید بخش است. بنظر میرسد که ا- بعلت ضروریات متفاوتی که شرایط مبارزه در درون جامعه تحمیل میکند و 2- دوری از مرکز اختلافات و درگیری های میان این احزاب شرایط درک ضرورت و مطلوبیت اتحاد برای جنبش درون جامعه فراهم تر است. جوهر حرکت ما را درک کرده اند و با آن احساس توافق میکنند. ممکن است ما تمام طرح را در دست نداشته باشیم، در جهاتی دچار اشتباه شده باشیم، مهم نیست. جهت و نفس حرکت مان درست، اصولی و مطابق با کمونیسم کارگری حکمت است. این اساسی است. طی راه خود را اصلاح میکنیم. در ارزیابی و نقد حرکت مان نقشه عمل مان را تدقیق میکنیم. مهم این است که در مسیر درستی حرکت میکنیم.

نوزده شماره برای یک دنیای بهتر گواه این حرکت است. من به این نشریه افتخار میکنم و واقعا از سیاهش دانشور برای تلاش و زحمتی که

پیروزی ممکن است ...

کشیده قدردانی می‌کنم. صفحات برای یک دنیای بهتر بیانگر تلاش ما در حرکت بسوی هدف و در مسیر درست است. علیرغم هر کم و کاستی تئوریک که در این مباحث ممکن است وجود داشته باشد، این ادبیات بیانگر این است که ما میخواهیم، تمدن و الگویی از گری، مدرنیسم، تمدن و الگویی از یک حزب سیاسی مدرن را که بر مبنای حزبیت حکمتی است، جا بیااندازیم. این خصلت را در مباحث ما و در روش ما تشخیص داده اند. بی اعتمادی‌هایی هنوز وجود دارد. طبیعی است. این جنبش ضربه خورده است. اعتماد ها آسیب دیده است. ما با ادامه همین روش و همین خط در چهارچوب حزب اتحاد کمونیسم کارگری قادر خواهیم شد اعتماد ها را بازسازی کنیم. خواهیم توانست بخش قابل توجهی از جنبش را بخود جلب کنیم. این باید یکی از اهداف بلافاصله ما باشد.

هیچیک از ما ادعا نمی‌کنیم منصور حکمت ایم. هیچیک از ما ادعا نمی‌کنیم که کمونیسم منصور حکمت را بسط داده ایم. هیچیک از ما مدعی نیستیم که به حکمتیسم درافزوده داشته ایم. اینها را قبول نداریم. اما یک چیز را میدانیم: عبور از منصور حکمت بمعنای شکست این جنبش است. با افتادن به دام خود فریبی که منصور حکمت مرد، اما حزب زنده او او را بسط داده است، شرایط پیروزی خود را دشوار تر می‌کنیم. تاکید بر منصور حکمت و حکمتیسم را انجماد در منصور حکمت نامیدن پله ای است بسمت دور شدن از حکمتیسم و به این اعتبار شکست جنبش مان. یکی از ملزومات حیاتی پیروزی تاکید و پافشاری بر مارکس و حکمت است. حزب ما بر تئوری و نظریات مارکس و حکمت متکی است. ما باید یک حزب سیاسی مارکسیست بسازیم.

بنظر من ما از نظر برنامه ای، نظری، استراتژیک نیازی به درافزوده نداریم. راه مان روشن

است. باید بتوانیم روش ها و تاکتیک هایمان را بر مبنای این نظریات تبیین کنیم. این همیشه نظر من بوده است. یک خاطره بگویم. بعد از پلنوم 16 که تزهایی راست در آن در مطرح شد، دفتر سیاسی مشغول بحث های کشفی شد. رفیق کورش مدرسی در جلسه دفترسیاسی گفت ما یک خلاء استراتژیک داریم. من گفتم ما هیچ خلاء استراتژیک نداریم. گفته شد آذر زیر سایه منصور حکمت است، هر دو جناح گفتند. بعد زیر سایه تبدیل شد به انجماد در منصور حکمت.

اما ما حاصل پر کردن خلاء استراتژیک را دیدیم. به تئوری ها و باصطلاح درافزوده های رهبران هر دو حزب نگاه کنید. هیچیک از استراتژی های ارائه شده ربطی به حکمتیسم و کمونیسم کارگری ندارد. نظریات چپ سنتی در قالبی جدید است. این نظریات خلاف آنچه نظریه پردازان اش مدعی اند، نه تنها حزب و جنبش را بجلو نبرده بلکه به عقب کشیده است. در حزب اتحاد کمونیسم کارگری ما باید تلاش کنیم تئوری های منصور حکمت را بکار ببندیم. استراتژی ای که بسط داده و فرموله کرده را پیاده کنیم. حزب و قدرت سیاسی، حزب و جامعه، حزب رهبر، حزب سازمانده، کاربست تر سلبی - اثباتی و ساختن یک حزب سیاسی مدرن، این ها باید در مقابل ما قرار داشته باشد و مشغول انجام شان شویم. منصور حکمت حتی به مقوله روش مقابله با تهاجم آمریکا و جلوگیری از خون پاشیده شدن به انقلاب و همچنین به مساله پایه ای ساختن سوسیالیسم در ده سال اول قدرت گیری تا به انقلاب فقر پاشیده نشود نیز پرداخته است. یک گنجینه تئوریک غنی. بروید باز این مباحث را بخوانید. بلشویک ها از نظر برنامه، تئوری و استراتژی بسیار از ما ضعیف تر بودند. انقلابی را رهبری کردند. درست است شکست خوردند ولی ده سال پرچم کمونیسم را برافراشته نگاه داشتند و چنان تاثیری بر دنیا گذاشتند که در دهه 60 و 70

میلادی جنبش حقوق زن نیز در غرب به این انقلاب رجوع میکرد. ما از نظر تئوری، برنامه، استراتژی و سنت های حزبی راه مان کاملا روشن و هموار است. باید برویم و این ها را پیاده کنیم.

بنظر من کادرهایی که امروز اینجا جمع شده اند، انتخاب سیاسی درستی کرده اند. اینکه هر یک با چه نقطه عزیمتی به این انتخاب رسیده است، امری ثانوی است. مهم اینست که همگی آگاهانه انتخاب کرده اند. خلاف جریان بودن کار ساده ای نیست. کسی که تصمیم میگیرد علیرغم تمام فشار ها به خلاف جریان بپیوندد، انتخابی آگاهانه کرده است. و از اینجا باید با هم، هم افق، با مناسباتی اصولی و رفیقانه، با اعتمادی کمونیستی و حزبی برویم و حزب اتحاد کمونیسم کارگری را گسترش دهیم. ما میتوانیم به بستر اصلی کمونیسم کارگری بدل شویم. دشوار است ولی عملی است. باید متمرکز، متحد و آگاهانه به پیش رویم. باید کمر بند هایمان را سفت کنیم.

اما اجازه دهید که در این مورد توضیحی بدهم. منظورم از سفت کردن کمر بندها این نیست که به خودتان گرسنگی بدهید، از زندگی بچه هایتان بزنید، خود را از جامعه منزوی کنید، از زندگی تان چیزی نفهمید. این روش ها روش های حکمتی نیست. ما باید از مبارزه مان لذت ببریم و انرژی بگیریم. باید فرزندان ما پیش از هر چیز انسانیت، تمدن و زنده بودن را از مارکسیسم و مبارزه کمونیستی درک کنند. توصیه می‌کنم بحث منصور حکمت در مورد، اگر این بار پیروز نشدیم را یکبار دیگر بخوانید. ما نباید 5 سال دیگر احساس مغیون بودن کنیم. امید، زندگی و انرژی باید از مبارزه سیاسی و حزبی ما ساطع شود. اگر مبارزه غمگین میکند، حتما اشکالی دارد.

اما خوشبختانه من اینجا در چشمان تک تک شما شادی می بینم. امید در چشمان همگی برق میزند. در حرکات و نگاه های همه احساس افتخار می بینم. بله. ما افتخار میکنیم به تصمیم سخت و دشواری که گرفتیم. افتخار میکنیم به اینکه آگاهانه عمل کردیم. خلاف جریان در طول این مدت، از پیش از تشکیل فراکسیون، گنج نبودیم. در هر لحظه میدانستیم که چه باید بکنیم و چه میخواهیم انجام دهیم. لحظات سختی را پشت سر گذاشتیم. و در تمام این مدت میدانستیم که میخواهیم اصولی و انسانی حرکت کنیم. میدانستیم که مانپولاسیون، گروکشی، محفلیم، ارباب و غیره روش های ما نیست. روش هایی که متاسفانه در طول این پنج سال در حزب رخنه کرد. ما عمیقاً معتقد بودیم که همه باید آگاهانه انتخاب کنند. چرا که ما به کادرهایی احتیاج داریم که میدانند چه میخواهند و آماده اند تا با دشواری های راه نیز کنار بیایند. در شرایط حاضر ما به سیاهی لشکر احتیاج نداریم، ما به کادرهایی آگاه و مصمم نیازمندیم که به خودش و آگاهی احترام میگذارد.

باید حزب محکمی بسازیم. حزبی متکی بر کادرهای مصمم، آگاه و مارکسیست. یکی از اولین وظایف ما جلب کادرهای آگاه و ساختن یک ستون فقرات کادری محکم و مارکسیست است. به قول منصور حکمت هر چه کادر مارکسیست و با تجربه تر بیشتری داشته باشیم، انسان های غیرمارکسیست و بی تجربه را بهتر میتوانیم به حزب و جنبش مان جلب کنیم و هر چه به خود و نیروی مان بیشتر اعتماد داشته باشیم، آدمهای خجول و حاشیه ای را بهتر میتوانیم به درون خودمان بیاوریم. رهبری حزب باید این مساله را در اولویت خود قرار دهد. من واقعا امیدوارم. من شاید یکی از پessimist ترین آدمهای جنبش کمونیسم کارگری باشم. اما واقعا امیدوارم. ما امکان پیروزی را داریم. یکی بخاطر شرایط عینی جامعه و یکی بخاطر شرایط جنبش کمونیسم کارگری. متشکرم.



بسوی ایجاد حزبی مدرن و مارکسیستی، حزب انقلاب کارگری

سیاوش دانشور

سخنرانی در کنفرانس اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری

رفقا من میخوام صحبتیم را با این نکته شروع کنم که ما روز بیست و یکم مه با امضای ده نفر از اعضای کمیته مرکزی و مشاورین کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، حزبی را اعلام کردیم که تا همین حالا سرو صدای زیادی بپا کرده است. اتفاق مهمی بود چون در حزب سیاسی مهمی در اپوزسیون ایران این مسئله رخ میداد و آدمهایی که این کار را کردند به هر حال آدمهای ناشناخته ای نبودند. ولی این حزب را ما امروز در این سالن بنیان میگذاریم همراه کادرهایی که در این کنفرانس حضور دارند، همراه با کادرهایی که در ایندوره در ایران با ما بودند و تلاش کردند و همراه با کادرهایی که فردا به ما ملحق میشوند. من میخوام روی این تاکید کنم که این حزب حزب کادرهای کمونیستی است که میخوانند سوسیالیسم را در ایران بیاورند، برای این میجنگند و پرچم کمونیستی منصور حکمت را بلند کردند.

این حزب پیشکسوت ندارد، پسکسوت ندارد، بنیانگذارش تمام کسانی اند که به قول نادر پرچم مانیفست کمونیست و یک دنیای بهتر را در دست دارند. از روز اول با آن بودند یا فردا ملحق میشوند. به نظر من این باید یک خط مهم ما باشد که در تقابل با این سوال که این حزب کیست و چه کسانی بنیانش گذاشتند، بگوئیم این حزب من است، حزب تو است، حزب کمونیستهاست، حزب طبقه کارگر است، حزب سوسیالیسم است، حزب کمونیستها و مارکسیستهایی است که همین امروز میخوانند دنیا را تغییر دهند. از این نظر به خودمان و همه شما و به رفقای که نتوانستند حضور یابند، به رفقای که در

دوره فراکسیون همراه ما بودند، به رفقایمان در ایران، به رفقای که در آینده ملحق میشوند، به رفقای که در همین دو سه روزه به حزب پیوستند، و شورانگیز است این قضیه که عنوان میکنند با افتخار به شما میپیوندیم و به وجودتان افتخار میکنیم، به همه من تشکیل حزب را تبریک میگم و باید همراه هم جلو برویم.

ما چه تفاوتی داریم؟ این سوالی است که از ما میپرسند. دو حزب دیگر به نام کمونیسم کارگری هستند. اشتراک زیاد داریم، تفاوتان کدام است؟ برنامه مان یکی است. عمدتا از یک سنت اجتماعی و طبقاتی می آئیم، یک تاریخ داریم، جدلهای مشابهی را پشت سر گذاشتیم، اما تفاوتان چیست؟ به نظر من تفاوت ما دو رکن دارد؛ یک نکته اینست که منصور حکمت در ایندوره رفت تو سایه. من با تمام اعتقاد و قدرت اینرا میگم که منصور حکمت طی این سالها رفت تو سایه. لاقلا تابلوی نگاه داشته شد منتهای تئوریهایش، پراتیکش، حرفش نیامد پرچم بشه. بخاطر اینکه من فکر میکنم منصور حکمت آتش است و اگر هر جا ببریش آتش بپا میکند، و هرجا اتحاد شود خصلت تحول کننده دارد.

اولین تفاوت این حزب اینست که پرچم منصور حکمت را بلند میکند. پرچم کمونیسم منصور حکمت را بلند میکند و اساسا میگوید هویت ام اینست. و این خیلی مهم است. ممکن است خیلی ها طرفدار منصور حکمت باشند اما این حزب میگوید که هویت حزبی ام اینست؛ هویت ما مارکس و منصور حکمت است و در بیانیه مان هم اعلام کردیم. و این مهمترین تفاوت بیانیه ما با بقیه است و به همین اعتبار تفاوت ما اینست که در نقد تمام عیار چپ رادیکال در تمام سطوح داریم

حرف میزنیم. بنظر من گرایش چپ رادیکال در دو حزب موجود قوی است. چه در سیاستهایی که حاکم شده و چه در سیاستهایی که رسما هنوز حاکم نشده است. چه در مناسبات حزبی که امروز هست و چه در صحبتهایی که هنوز نشده است. چه در راه و روش و تاکتیکی که بدست میدهند و یا برخوردی که با همدیگر و با ما دارند. چه حتی در سوالهایی که ممکن است در آینده در مقابل شان قرار میگیرد، نوع سیاستی که اتخاذ میکنند از چپ رادیکال متأثر است. و این موضوع به این معنی نیست که گویا آدمهایی معینی هستند که حب معینی را قورت دادند. این سنت از انقلابی در آمد که بستر اصلی آن چپ رادیکال بوده است. بستر اصلی آن سوسیالیسم مارکسی نبوده است و اگر برگردید و به تاریخ ما نگاه کنید و از اتحاد مبارزان کمونیست تا امروز، بویژه دوره حزب کمونیست ایران، در هر قدمی ناچار بودیم چپ سنتی و چپ رادیکال را نقد کنیم و یک سنکر کمونیسم مارکسیستی را حداقل در سطح تئوریک تثبیت کنیم. امروز وقتی نگاه میکنید ما هنوز آن حزب سیاسی مارکسیستی را که منصور حکمت در کنگره سوم گفت شش هفت ماه فرصت داریم بسازیم، هنوز نساختیم و باید بسازیمش.

یک تفاوت اساسی ما اینست که از روز اول طوری کار کنیم و شروع کنیم که با تمام آن میراث یکبار برای همیشه خداحافظی کنیم و کنار بگذاریم. حزب سیاسی باز و مدرن بسازیم که آدمها در آن راحت اند، حرفشان را میزنند، انتقاد میکنند، بحث شان را مطرح میکنند، اعتماد بنفس دارند، شورشی اند، علنی اند، مینویسند، مبلغ اند، مروج

اند، کمونیست پراتیسیان اند، و همه جا میروند. ترکیب کادری که ما امروز داریم شروع خوبی برای برداشتن این گام است. میتوانیم ایندوره جدید را اینطور شروع کنیم که اجتناب کنیم از یک قالب و ورژن کوچکتر از حزب کمونیست کارگری. باید یک پدیده جدید و مدرن و شاد بسازیم که هر کسی بیاد توش و بگوید این است. و بنظر من هر کدامان متعهد شویم، منظوم تعهد اخلاقی نیست، بلکه از زاویه پراتیکی منظوم است، که اگر یک ناظر بیرونی ما را نکته میکند بگوید اینها متفاوت اند، اینها متفاوت اند، اینها در حرف متفاوت اند، اینها در رفتار اجتماعی متفاوت اند، اینها روی سوالاتی که انگشت میگذارند متفاوت اند، اینها در رفتار و برخورد تشکیلاتی متفاوت اند، اینها واقعا برابری طلب اند، اینها واقعا فخر نمیفروشند، اینها واقعا مناسبات کهنه پادشاهی و سنتهای کهنه حزب توده و جبهه ملی و احزاب چپ رادیکال را به ارث نبرند. اینها وقتی دارند انتقاد میکنند فقط به بغل دستی شان انتقاد نمیکنند، پراتیک شان نشان میدهد که یک جریان انتقادی اند.

به نظر من این دو رکن اصلی میتواند ما را به بستر اصلی کمونیسم کارگری تبدیل کند. من شخصا خودم نه عاشق حزب سازی ام و نه عاشق فراکسیون سازی. دیروز هم در مصاحبه با رادیو سپهر در همین شهر گفتم که من خوشحال نیستم از حزب کمونیست کارگری جدا شدم. من حزب کمونیست کارگری را پاره تن خودم میدانستم و هنوز هم از دستاوردهایش دفاع میکنم. چون به سهم خودم در آن سهم بودم. این تصمیم سختی بود که ما گرفتیم و کاری که انجام دادیم به این خاطر نبود که سازمان و یا محفل و یا حزبی بسازیم که هست، بخواهیم که باشیم.

بسوی ایجاد حزبی مدرن و مارکسیستی...

ما می‌خواهیم پدیده‌ای را بسازیم که جواب بدهد. شما وقتی نقد دارید به یک پدیده دارید می‌گویند که این کافی نیست، باید کنار گذاشت و باید در ارتفاع بلند تری قرار گرفت. اگر ما می‌گوئیم این کافی نیست، ما باید در جایی قرار بگیریم که نه فقط بزعم خودمان بلکه بزعم کل جامعه، بگویند اینها جریان اصلی کمونیسم کارگری هستند. اینها خط مارکسیستی کمونیسم منصور حکمت را نمایندگی میکنند. بقیه هم حرفهای درستی میزنند، آنها هم سیاستهای درستی دارند، منتها اینها دارند حرف اصلی را میزنند. چرا؟ چون اینها جریانی هستند که در جنبش کارگری رادیکالها را جمع کردند، اینها سوسیالیستهای جنبش کارگری و محافل کارگری را دور خود جمع کردند، اینها جریانی اند که دانشگاهها را دور خود دارند، اینها جریانی اند که مهمترین سیاستها را در جنبش آزادی زن اتخاذ میکنند، اینها حزب باز سیاسی مارکسیستی و مدرن را درست کردند، اینها حزب نسل جدیداند. ما باید با الگوهای برای همه شناخته شویم و هر کسی که میگوید این حزب چه میگوید و تفاوتش چیست، بگویند که این حزب اینها است. و این میشود شروع جدید برای ما. این میشود دوره جدید برای ما. این یعنی کمونیسم کارگری آپ دیت شده در قرن بیست و یکم در متن تحولات سیاسی ایران، با یک نسل جدید و با یک انتقاد دوره ای و طولانی در تاریخ این حزب، و کاری که ما شروع کردیم.

این شروع جدید باید به این ختم شود. بنظر من هر افقی کمتر از این نسخه شکست است. ما باید دسته جمعی برویم که به آن حزب بزرگ انقلاب کارگری در ایران تبدیل شویم. اگر بعد مدتی به این پدیده تبدیل نشویم، شخصا فکر میکنیم باید فکر دیگری کرد. ما باید دوره ای به خود وقت بدهیم و چهارچوبهای اصلی حزب را بسازیم. شرایط بقول یکی از رفقا اجازه دادن فرصت طولانی را

شاهدیم و میبینیم. ۱۶ نفر جایی جمع میشوند و مینویسند "تعداد زیادی در فلان جا جمع شدند". در خودش نمیبیند که چرا هنوز نمیتوانم صد هزار نفر از طبقه کارگر را با خط و پرچم و فراخوان و شعار کمونیستی من به میدان بیاورم. و چرا اپوزیسیون از من نمیترسد و هر کسی که میخواهد از چیزی تبری بجوید به ما فحش دهد. اینطور خود را نگاه نمیکند و از گرفتن قدرت سیاسی هم حرف میزنند. اگر اینطور کار کنید، قدرت سیاسی که سهل است یک آبادی را هم نمیتوانید بگیرید.

در نتیجه ما باید منافع این جنبش را جلویمان قرار دهیم و اینطور کار کنیم. در پراتیک واقعی مان اینطور باشیم. ما باید این دیوارهای نفرت را ویران کنیم. ما به اتحاد بخش سازمانی که بجای خود، به نیروی جنبش مان که پراکنده شده است جواب دهیم. یکی از پیامهایی که من اینروزها از رفیقی از کمونیستهای کارگری در عراق دریافت کردم جمله جالبی دارد، میگوید من امیدم به شماس. بخاطر اینکه این جامعه پر از کمونیستهای کارگری طرفدار منصور حکمت است که عضو احزاب موجود نیستند. حزب ندارند و هیچکدام از این احزاب را قبول ندارند. شما میتوانید متحد کنید. من زنده شدم. بیانید فراخوان و بیانیه صادر کنید به کمونیستها در کردستان عراق که متحزب و متشکل شوند. (کف زدن حضار)

در ایران همین حرف را به ما زدند، در دانشگاهها همین برخورد را با ما کردند، رفقای جنبش کارگری این توقع را مطرح کردند، رفقای که درجه ای با حزب فاصله داشتند این حرف را زدند. بنظر من این مهمترین ویژگی ماست. نه فقط در سطح احزاب موجود بلکه در سطح ماکرو جنبش مان. به این اعتبار ما ادبیاتمان فرق میکند. ما رابطه مان فرق میکند. ما زخم خوردیم، ادیتیمان کردند، اما

نفرت پراکنی نکردیم. بنابراین باید همه بدانند و امروز هم اعلام میکنیم که این خصوصیت کادرهای این جنبش است؛ ما حزب نفرت علیه هیچ کمونیست و هیچ سوسیالیست و هیچ کارگر مبارزی و هر کسی که میخواهد سنگی روی سنگ بگذارد، نیستیم. ما حزب اتحادیم. ما علیه کسانی که علیه ما رفتار درخور شان و نکردند را تکرار نمیکنیم. ادبیات ما مملو از اینها نخواهد بود. ادبیات ما باید یک ادبیات مستدل، مغزدار، روشن، اقتناعی، و بسیج کننده باشد. در عین حال باید حرف روشن سیاسی بزینم و جواب مسائل را بدهیم و کل عقایدمان را به جامعه ببریم. طوری که دو ماه دیگر اگر کسی بخواد عکسی از ما بگیرد، حتی بورژوازی و دشمن مان اگر بخواد اینکار را بکند، بگویند اینها حزبی هستند با این مشخصات. نه بگویند حزب متین و پخی هستند، بگویند حزبی اند انقلابی و سازش ناپذیر و مارکسیست و کمونیست اند اما بگویند یک حزب متین سیاسی و زمینی اند. احترام انسان که میگویند برایشان شعار نیست که آن بالا نوشتند، هویت شان است و میشود به اینها اعتماد کرد. ممکن است تنوریمان را نخوانند. ولی خیلی ها هستند که میگویند من فلانی را میبینم و اعتماد میکنم و با اینها میروم.

به نظر من باید هر کدام از ما منشا اعتماد باشیم در جامعه. هر کدام از ما طوری باشیم که در جامعه بگویند اگر فلانی هر سمتی رفت من دنبالش میرم. این مکانیزم اعتماد توده ای است. ممکن است عده ای تنوریمان را بخوانند و دقیق شوند که تا چه حد به مارکس و منصور حکمت نزدیک هستیم. اینها دو درصد بیشتر نیستند. نود و هشت درصد جامعه اینگونه به احزاب سیاسی اتکا نمیکند. و ما می‌خواهیم حزب سیاسی تمام عیار بسازیم. نمی‌خواهیم حزب ایدئولوژیک و فرقه ای بسازیم. می‌خواهیم یک حزب سیاسی بسازیم که باز است، آزاد است، راحت است، متکی است به

پیام کنفرانس اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری به تمامی مدافعین کمونیسم منصور حکمت

رفقای گرامی!

در شرایط حاضر طیف گسترده ای از کمونیستها و مارکسیستهای مدافع کمونیسم منصور حکمت وجود دارند که با هیچیک از احزاب کمونیست کارگری موجود فعالیت نمی کنند. فعالیت متشکل و حزبی از ملزومات اولیه و حیاتی مبارزه کمونیستی برای تغییر جهان است. ضروری و مبرم است که کلیه مارکسیستها و کمونیست های کارگری، تمام دوستانان کمونیسم منصور حکمت، در ایران، عراق، و کشورهای مختلف با هم متحد شویم. کل جنبش کمونیسم کارگری باید تحت پرچم کمونیسم منصور حکمت متحد شود!

رفقا!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری حزبی در سنت کمونیسم اجتماعی مارکس و منصور حکمت است، که این پرچم را برافراشته و عمیقاً بر این باور است که پیروزی و پیشروی ما تنها میتواند با اتکا به این نوع کمونیسم متحقق شود. ما مصمم هستیم که حزبی شایسته سنت و اهداف سیاسی کمونیسم منصور حکمت، یک حزب تمام عیار سیاسی و مارکسیستی مدرن بسازیم که با بقایای نگرش، بینش و سبک کار چپ رادیکال تماماً تسویه حساب کند. حزبی در سنت اعتراض سوسیالیستی طبقه کارگر، حزبی درگیر در جنبش کارگری، حزبی که پرچم نقد مارکسیستی و کمونیستی کارگری به جهان معاصر را برافراشته است، حزبی که هر کارگر و کمونیست معترض به اوضاع موجود بتواند در صفوف آن همین امروز متحد شود و همین امروز به جنگ بورژوازی و اسلام سیاسی برود.

فراخوان کنفرانس اول حزب به شما همسنگران اینست که باید متحد شد! به حزب اتحاد کمونیسم کارگری بپیوندید! این حزب شماست! حزب تمام کارگران کمونیست، مارکسیستها، سوسیالیستها، و تمام کسانی است که افق و آرمان برپائی یک جامعه سوسیالیستی را در مقابل خود قرار داده اند. این حزب تمام کسانی است که پرچم کمونیسم منصور حکمت را در دست دارند.

زنده باد کمونیسم کارگری!

زنده باد منصور حکمت!

کنفرانس اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری

بسوی ایجاد حزبی مدرن
و مارکسیستی...

پرنسیپهایش. نباید این به یک شعار تبدیل شود بلکه باید در هر قدم حرکت ما، در رهبری و اعمال رهبریمان، در سیاستهایمان این دیده شود. من شخصا خوشبینم و از همه کسانی که در کنفرانس ما نیستند دعوت میکنم که بیایند و این پرچم کمونیستی و مارکسیستی منصور حکمت را بلند کنند، به این حزب ملحق شوند. بریم برای پیروزی و در فرصتی که داریم تلاشمان را بکنیم.

جنبش ما زخم خورده رفاقا. مثل لشکری هستیم که در یک جنگ معین جانباخته دادیم، زخمی دادیم، جانی عقبمان راندند، اما مجبوریم بلند شویم و پانسمان کنیم و راه برویم. یک دوره جدیدی شروع شده است. بنظر من ما باید دستمان را در دست همدیگر بگذاریم. اعتمادمان را به همدیگر بالا ببریم، با تمام سلامت فکری و اصولمان با همدیگر رفتار کنیم. بریم با اعتماد بنفس بقیه را بیاریم و بریم برای پیروزی. این چشم اندازی است که باید داشته باشیم. من یکبار دیگر تشکیل حزب اتحاد کمونیسم کارگری را به شما، به رفقای عزیز که اینجا نیستند به رفقای که بعداً میپیوندند، و به جنبش سوسیالیستی در ایران تبریک میگم. زنده باد حزب!

**کارگران پیشرو،
کمونیستهای کارگری،
زنان و جوانان!**

به حزب اتحاد کمونیسم
کارگری بپیوندید!

این حزب شماست! حزبی
برای سرنگونی جمهوری
اسلامی و برقراری جامعه
خوشبخت و مرفه برای
همگان!

یک نظام سوسیالیستی!

بیانیه اعلام موجودیت حزب اتحاد کمونیسم کارگری

بدینوسیله تشکیل حزب اتحاد کمونیسم کارگری و آغاز فعالیت آن را اعلام میکنیم.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری یک حزب تمام عیار سیاسی مارکسیستی و متعهد به سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر برای برچیدن نظام سرمایه داری و برپایی جامعه‌ای نوین مبتنی بر برابری اقتصادی و اجتماعی، آزادی سیاسی انسانها و شکوفایی خلاقیت های مادی و معنوی بشری است. برپایی جامعه سوسیالیستی، جامعه ای عاری از طبقات و تناقضات آن، جامعه ای که تکامل آزادانه هر فرد شرط تکامل آزادانه همگان است، امر بلافصل حزب اتحاد کمونیسم کارگری است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری یک حزب انترناسیونالیستی است و برای همبستگی بین المللی طبقه کارگر تلاش میکند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای تحقق اهداف جهانی طبقه کارگر مبارزه میکند و دفاع از منافع کارگران جهان را وظیفه همیشگی خود میداند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری به سنت کمونیسم اجتماعی مارکس و منصور حکمت تعلق دارد و پرچمدار نقد اجتماعی و طبقاتی کمونیسم کارگری به جهان معاصر است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری دفاع از مارکسیسم و آرمان سوسیالیسم کارگری را یک وظیفه اساسی خود میداند و برای تقویت و گسترش جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در سطح جهانی میکوشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری معتقد است که پیشرفتهای اقتصادی، علمی، تکنولوژیکی و مدنی تاکنونی جامعه بشری شرایط و ملزومات مادی برای سازمان دادن یک جامعه آزاد، بدون طبقه و بدون استثمار و ستم، یک جامعه جهانی سوسیالیستی، را هم اکنون فراهم کرده است و طبقه کارگر موظف است به مجرد کسب قدرت سیاسی، اجرای تمامیت برنامه کمونیستی خویش را آغاز کند. در عین حال مادام و هر جا که نظام سرمایه داری برجاست، حزب اتحاد کمونیسم کارگری همچنان برای گسترده ترین و عمیق ترین اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مبارزه میکند که سطح زندگی و حقوق و آزادیهای توده های وسیع مردم را تا بالاترین حد ممکن بهبود بخشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری یکی از ارکان جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است. منافعی جدا از منافع کل طبقه کارگر را دنبال نمیکند. در مبارزه طبقاتی همواره پرچم وحدت و منافع مشترک کارگران سراسر جهان را بر می افرازد. اتحاد کمونیسم کارگری حزبی در برابر سایر احزاب کمونیست کارگری نیست. حزب اتحاد کمونیسم کارگری همواره و همه جا نماینده منافع کل جنبش کمونیسم کارگری و اتحاد آن حول خط مشی مارکسیستی منصور حکمت است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری حزبی انسانگرا، مدرن، دخالتگر و سازمانده است. همفکری در تعیین هدف مشترک و همگامی در مبارزه عملی برای تحقق آن، اصل اساسی در مناسبات داخلی حزب اتحاد کمونیسم کارگری است. گسترده ترین تبادل نظر و همفکری و بیشترین فرجه برای طرح آراء و نظرات مختلف افراد در جریان تصمیم گیری در سطوح گوناگون، در کنار اکید ترین انضباط و همگامی و یکپارچگی عملی در پیشبرد سیاستها و اقدامات مصوب، ارکان تفکیک ناپذیر مناسبات درونی حزب اتحاد کمونیسم کارگری را تشکیل میدهد.

در ایران، حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای تبدیل طبقه کارگر به یک نیروی قدرتمند اجتماعی و سیاسی، برای سازماندهی و رهبری یک انقلاب کارگری، برای تصرف قدرت سیاسی و برقراری فوری یک جمهوری سوسیالیستی و اجرای کلیت برنامه "یک دنیای بهتر" مبارزه میکند. سرنگونی همه جانبه و کامل جمهوری اسلامی یک وظیفه فوری انقلاب کارگری در ایران است. کمونیسم کارگری تنها قطب سیاسی مبشر یک جامعه آزاد، برابر و مرفه در ایران است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری کارگران کمونیست و مبارزان راه سوسیالیسم کارگری و آزادی و رهایی انسان را به پیوستن به صفوف خود فرا میخواند!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۱ مه ۲۰۰۷ - ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۶

اعضا و مشاورین سابق کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران: محمود احمدی، هما ارجمند، جلیل بهروزی، علی جوادی، سیاوش دانشور، نسرين رمضانعلی، پروین کابلی، مریم کوشا، آذر ماجدی، سعید مدانلو .



مرکز مطالعات کمونیسم کارگری برگزار میکند:

در باره حزب اتحاد کمونیسم کارگری تفاوت های ما

سخنران؛ سیاوش دانشور

مکان: شبکه پالتاک، گروه خاور میانه - ایران

زمان: پنجشنبه ۱۴ ژوئن ۲۰۰۷

ساعت ۹ شب بوقت اروپای مرکزی، ۱۰،۳۰ شب ایران
و ۱۲ ظهر بوقت لس آنجلس

و بطور هم زمان

در یاهو مسنجر

Markazmkk

worker.communism.studies@gmail.com

بیاد منصور حکمت در های گیت گرد آئیم!



۴ ژوئیه پنجمین سالگرد درگذشت منصور حکمت، متفکر و تئوریسین بزرگ جنبش کمونیسم کارگری است. تاکنون هر سال در گرامیداشت این انسان بزرگ و این کمونیست برجسته در های گیت گرد آمده ایم. امسال نیز روز شنبه ۳۰ ژوئن ساعت ۱ بعد از ظهر در های گیت جمع میشویم. در اینجا از تمام دوستاناران منصور حکمت دعوت میکنم که در این روز به های گیت بیایند تا با هم به یاد این انسان عزیز و ارزشمند و دستاوردهای عظیم او را گرامی بداریم.

آذر ماجدی ۶ ژوئن ۲۰۰۷

تلفن تماس: +44 77 65 43 12 76 سیروان قادری
azarmajedi@gmail.com

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

اساس سوسیالیسم انسان است، چه در ظرفیت جمعی و چه فردی. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است! منصور حکمت

فرم تقاضای عضویت در حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱- نام و نام خانوادگی: (اسمی که با آن فعالیت سیاسی میکنید)

۲- سال تولد:

۳- چگونه با حزب آشنا شدید؟

تاریخ: امضا:

تلفن: ای میل:

* سابقه تحصیلات، تسلط به زبانهای اروپایی، قابلیت های فنی و تخصص های حرفه ای:

* شهر محل تولد و زندگی در ایران:

* سابقه فعالیت سیاسی و متشکل:

این اطلاعات تنها در اختیار دبیرخانه حزب است و حزب راسا این اطلاعات را علنی نمیکند

پرداخت حق عضویت الزامی و یک شرط مهم عضویت در حزب است. حق عضویت ماهیانه در حزب معادل ۱۵ دلار آمریکا، ۲۰ دلار کانادا، ۱۰ پوند انگلیس، ده یورو اروپا، ۱۰۰ کرون سوئد، و ۱۰۰۰۰ ریال ایران است.